

ستارخان سردار ملی

۲۵ آبان ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۰۰

ستارخان مشهور به سردار ملی از مبارزان مشروطه‌خواه، ۲۵ آبان ۱۲۹۳ هجری خورشیدی درگذشت.

ستارخان سردار ملی (۱۳۳۲-۱۲۸۴ق) فرزند حاج حسن قراجه داغی در منطقه قراجه داغ (ارسباران) به دنیا آمد. او سومین پسر حاج حسن بزآز قره‌داغی بود که به شغل پارچه‌فروشی اشتغال داشت. سوابق زندگی او در دوران کودکی و نوجوانی تا درگیریهای جنبش مشروطه چندان معلوم نیست. از اطلاعات جسته و گریخته‌ای که از وی به دست آمده، درمی‌یابیم که او با پدر خود در روستاهای اطراف ارسباران به شغل پارچه‌فروشی مشغول بوده است.



ستارخان پس از قتل برادرش اسماعیل به دست نیروهای دولتی به همراه خانواده خود به تبریز مهاجرت کرد و در محله امیرخیز اقامت گزید و از داش‌ها و لوطیهای آن محله شد.

او و دو برادر بزرگترش اسماعیل و غفار از کودکی علاقه وافری به تیراندازی و اسب‌سواری داشتند و در این میان اسماعیل فرزند ارشد خانواده شب و روزش به اسب‌تازی، تیراندازی و نشست و برخاست با خوانین و بزرگان سپری می‌شد.



سلطان ستاری دختر سردار ملی

همین سرکشی‌ها سبب شد تا سرانجام و در پی اعتراض به حاکم وقت دستگیر و محکوم به اعدام شود. گفته شد اسماعیل به ارتباط و پناه دادن به فردی به نام قاجاق فرهاد که از مخالفان و ناراضیان بود، متهم است و به همین جرم کشته شد.

این امر کینه‌ای در دل ستارخان ایجاد کرد که بعدها به تقویت روحیه مقاومتش در برابر قاجار کمک کرد. وقتی اسماعیل به دست نیروهای دولتی کشته شد، ستارخان به همراه خانواده خود به تبریز مهاجرت کرد و در محله امیرخیز اقامت گزید و در زمره لوطیان تبریز قرار گرفتوی مدتی جزء سواران حاکم خراسان بود، از آنجا به عتبات عالیات سفر کرد، پس از چندی به تبریز

بازگشت و به مباحثی املاک محمدتقی صراف مشغول گردید.

سپس به توصیه رضاقلی خان سرتیپ وارد خدمت قراسوران (ژاندارمری) شد و حفاظت راه مرند و خوی به او محول گردید. چندی بعد مورد توجه مظفرالدین میرزا (ولیعهد) قرار گرفت، ضمن دریافت لقب خانی، از تفنگداران ولیعهد در تبریز محسوب گردید. ستارخان بنابر عادت لوطی‌گری در یکی از درگیریهای خود با مأمورین محمدعلی میرزا (ولیعهد) در تبریز، مورد تعقیب قرار گرفت، از شهر گریخت و مدتی به راهزنی پرداخت. سپس با وساطت بزرگان و معتمدین محل به شهر بازگشت و دلایلی اسب را پیشه خود کرد.

در سال ۱۳۲۵ ق انجمن ایالتی آذربایجان به واسطه رشادتهای ستارخان و باقرخان به آنان لقب سردار ملی و سالار ملی اعطاء نمود.

با شروع انقلاب مشروطه در تهران و گسترش آن در سراسر کشور، مجاهدین و آزادیخواهان آذربایجانی و قفقازی به فرماندهی ستارخان و باقرخان به حمایت از مشروطیت قیام نمودند و در مقابل قوای ۳۵ تا ۴۰ هزار نفری اعزامی از مرکز و خوانین محلی به فرماندهی عبدالمجید میرزا عین‌الدوله که برای سرکوبی قیام تبریز اعزام شده بودند به شدت مقاومت کردند و از تسلط آنها به شهر ممانعت نمودند. تبریز به مدت ۱۱ ماه توسط قشون دولتی محاصره شد و از ورود آذوقه به شهر جلوگیری به عمل آمد. زندگی بر مردم بسیار سخت و طاقت فرسا گردید. نهایتاً با وساطت قنسولهای روس و انگلیس و موافقت دولتهای طرفین عده‌ای از قوای روسیه به تبریز وارد شدند و راه جلفا را برای ورود آذوقه باز کردند. در نتیجه محاصره شهر به پایان رسید و سربازان دولتی و خوانین محلی مخالف مشروطیت از اطراف تبریز دور شدند. بدین ترتیب نقشی که ستارخان و باقرخان در دفاع از مشروطه و تبریز داشتند به پایان رسید.

با حضور سربازان روسی در تبریز موقعیت برای ستارخان و باقرخان سخت و خطرناک گردید. آنها به اتفاق جمعی دیگر از سران آزادیخواه به قنسولگری عثمانی پناهنده شدند. سپس تحت فشار روسها و بنابر دعوت آیت‌الله محمدکاظم خراسانی به همراه جمعی از مجاهدین در روز هشتم ربیع‌الاول ۱۳۲۸ ق به تهران مهاجرت کردند. در تهران استقبال شایانی از آنان به عمل آمد و از طرف مجلس شورای ملی مورد تجلیل قرار گرفتند و دو لوح نقره‌ای طلاکوب به ستارخان و باقرخان اهدا گردید و برای هر کدام ماهیانه مبلغ هزار تومان مقرری از طرف مجلس تعیین شد و در پارک اتابک (محل فعلی سفارت شوروی) اسکان یافتند.

در جریان ترور آیت‌الله سیدعبدالله بهبهانی دولت مشروطه تصمیم به خلع سلاح گروههای مسلح گرفت، ستارخان با این امر مخالفت نمود و با قوای دولتی به جنگ پرداخت در این جنگ پای او تیر خورد و تسلیم شد و ۳۰ تن از نیروهای وی کشته و ۳۰۰ تن اسیر شدند.

وی چهار سال پس از این واقعه در تاریخ ۲۸ ذی الحجه ۱۳۳۲ درگذشت و در باغ طوطی در جوار حضرت عبدالعظیم به خاک

سپرده شد.

منبع: فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۸۶۸۴/ملی-سردار-ستارخان>